

ازدواج سفید از منظر فقهی - حقوقی

علی نصرتی*، سید ابوالقاسم حسینی زیدی**، موسی لشنی***

چکیده

ازدواج سفید آن است که طرفین بدون عقد نکاح شرعی یا مفقود بودن یکی از شروط نکاح، اقدام به تشکیل زندگی مشترک می‌کنند و از آنجا که آمار آن در جامعه کنونی ما رو به فزونی است لازم است ابعاد فقهی و حقوقی این پدیده مورد مذاکره قرار بگیرد. پژوهش حاضر با روش توصیفی - تحلیلی درصدد بررسی اهمیت ازدواج سفید در فقه و حقوق است. یافته‌های پژوهش نشان داد که ازدواج سفید همواره به دلیل نداشتن یکی از ارکان ازدواج صحیح شرعی از نظر فقهی و قانونی اساساً ازدواج شمرده نمی‌شود چراکه در ازدواج سفید سه حالت را می‌توان تصور کرد و هر سه حالت هم فاقد یک یا چند رکن هستند: در حالت اول طرفین بدون قصد ازدواج اقدام به همباشی می‌کنند؛ در حالت دوم گرچه به قصد ازدواج اقدام به همباشی می‌کنند لکن ایجاب و قبول لفظی وجود ندارد (برخی این قسم را همان نکاح معاطاتی می‌دانند)؛ و در حالت سوم نیز گرچه هم قصد و هم لفظ وجود دارد اما سایر ارکان ازدواج شرعی مثل اذن پدر برای دختر باکره یا ذکر مهر و مدت در ازدواج موقت وجود ندارد.

واژگان کلیدی

نکاح، ازدواج سفید، فقه، اسلام، ایران، همباشی.

*. استادیار گروه فقه و مبانی حقوق، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، مشهد، ایران (نویسنده‌ی مسئول)
(nosratiali55@gmail.com)

** استادیار گروه فقه و مبانی حقوق، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، مشهد، ایران (Abolghasem.6558@yahoo.com)
*** کارشناس ارشد فقه و مبانی حقوق، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، مشهد، ایران (m.Lashani68@gmail.com)

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱/۲۷ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۳/۲۶

۱- مقدمه و بیان مسئله

ازدواج عملی است که پیوند بین دو جنس مخالف را بر پایه‌ی روابط پایای جنسی موجب می‌شود و مستلزم انعقاد قراردادی اجتماعی است که موجب مشروعیت روابط جسمانی می‌شود (مقصودی و همکاران، ۱۳۹۹: ۱۳۴). به عبارت دیگر ازدواج امری است که از ابتدای خلقت بشر وجود داشته و کماکان ادامه دارد. ازدواج با توجه به نزول ادیان مختلف در ادوار متفاوت زندگی بشری تحت تأثیر قواعد و احکامی که از جانب خداوند نازل شده قرار گرفته است. در شریعت اسلام نیز شرایط خاصی برای انشا عقد نکاح در نظر گرفته شده است.

در طول تاریخ، تلاش‌های بسیاری انجام شد تا صورت‌های نامشروع و غیرقانونی از ازدواج بروز و ظهور یابد. اسلام ضمن تمییز صورت‌های مشروع این نهاد مقدس از صورت‌های نامشروع آن، به همان میزان که بر تحقق صورت‌های مشروع آن تأکید کرد، بر صورت‌های نامشروع آن مهر بطلان زده و از وقوع آن به شدت نهی فرموده است (عظیم‌پورمقدم و پای‌نژاد، ۱۳۹۸: ۷۰).

در چند دهه اخیر نهاد خانواده و ازدواج در جهان تحولات گسترده‌ای داشته است؛ تحولاتی که ریشه آن را باید در انقلاب جنسی اواخر دهه ۱۳۱۰ در کشورهای اروپایی و آمریکایی جست‌وجو کرد (رمضانی‌فر و آدیش، ۱۳۹۷). مقایسه‌ی نگرش‌ها و ارزش‌های مرتبط با ازدواج نسل مادران با نسل دختران در ایران امروز با توجه به تغییرات رفتاری و نگرشی خانواده در چند دهه‌ی اخیر نیز نشان می‌دهد که نسل امروز به طور متفاوتی در معرض این تغییرات بوده است (گروسی و یاری‌نسب، ۱۳۹۹: ۱۳۳).

در عصر حاضر نیز پدیده‌ای جدید به نام ازدواج سفید در حال گسترش است که منظور از چنین ازدواجی، ازدواج بدون صیغه (ایجاب و قبول لفظی) است و در واقع زن و مرد بدون ازدواج رسمی باهم زندگی می‌کنند یا اگر هم صیغه لفظی باشد یکی از شرایط مفقود است. البته این سبک زندگی در ایران به علت گرایش‌ها مذهبی و عرفی جامعه به‌طور مخفیانه انجام می‌شود و آمار دقیقی از تعداد این نوع ازدواج در جامعه در دست نیست.

سؤالاتی در مورد این پدیده نیاز به بررسی دارد که اولاً برای ازدواج سفید چه مصادیق حالاتی را می‌توان در نظر گرفت و ثانیاً آیا می‌توان وجه صحتی را برای این حالات و مصادیق در قانون یا شرع پیدا کرد؟ آنچه در ابتدای امر جلب توجه می‌کند این است که همواره در ازدواج سفید رکنی از ارکان ازدواج شرعی مفقود است چراکه دختر و پسر یا بدون قصد ازدواج اقدام به همباشی می‌کنند یا با قصد ازدواج و در این حالت یا ایجاب و قبول لفظی هم به کار می‌برند یا به کار نمی‌برند و اگر هم قصد و هم لفظ را به همراه داشته باشند سایر ارکان از جمله اذن ولی

برای دختر باکره را ندارند زیرا اگر سایر ارکان هم موجود باشد به لحاظ موضوعی از ازدواج سفید خارج شده و در ازدواج شرعی داخل می‌گردد.

به دنبال این بحث، سؤال دیگری که لازم به پاسخ دادن است این است که آیا در فقه می‌توان سابقه و ردپایی از ازدواج سفید یافت یا اینکه ازدواج سفید ره‌آورد مدرنیته برای کشورهای جهان است و هیچ سابقه یا مشابهتی در اقوال فقها پیرامون آن دیده نمی‌شود؟ و اگر سابقه‌ای در فقه وجود دارد فقها تحت چه عنوانی به بررسی پیرامون آن پرداخته‌اند و در نهایت به چه حکمی رسیده‌اند؟

در مورد آثار و پیامدهای فقهی و حقوقی ازدواج سفید پژوهش‌هایی صورت گرفته است ولی ماهیت و انواع آن مورد غفلت قرار گرفته است؛ لذا در این جستار برآنیم که انواع ازدواج سفید را با توجه به آموزه‌های فقهی و حقوقی بیان کرده و ماهیت آن در فقه و حقوق اسلامی را مورد مذاقه قرار دهیم. در حالی که در مقالات سامان یافته در این زمینه ازدواج سفید را از لحاظ حقوق کیفری مورد بررسی بوده و مباحث فقهی در مورد آن کمرنگ است.

۲- مفهوم شناسی ازدواج

در این قسمت برخی از مهم‌ترین مفاهیم مرتبط با پژوهش از جمله لفظ ازدواج، لفظ سفید و اصطلاح ازدواج سفید تبیین و تشریح می‌گردد.

۲-۱- لفظ ازدواج

لفظ «ازدواج» معادل فارسی نکاح است. ازدواج بر وزن افتعال مصدر باب افتعال است از ریشه «زَوَجَّ» و حروف اصلی آن «ز و ج» است و از منظر علمای لغت زوج به معنای جفت است در مقابل فرد (ابن‌منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۲: ۲۹۱؛ جوهری، ۱۴۱۰ق ج ۱: ۳۲۰؛ ابن‌فارس، ۱۴۰۴ق، ج ۳: ۳۵؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق: ۳۸۵) صاحب کتاب التحقيق فی کلمات القرآن الکریم چنین آورده است: «ازدواج یک تعهدی از جانب مرد و زن است که بر طبق یک مقررات تعهدآور است که بینشان تشکیل شده حال یا این تعهد بر طبق دین است یا عرف، البته زمانی بر طبق عرف است که هیچ‌کدام متدین نباشند تا بتوانند با یکدیگر در تمامی جهات زندگی کنند» (مصطفوی، ۱۴۰۲ق، ج ۱۲: ۲۳۴).

با دقت در کتب فقهی و حقوقی به‌خوبی روشن می‌شود که واژه ازدواج با نکاح یکی دانسته شده است. اکثر فقها تعریفی برای نکاح و ازدواج ارائه نکرده‌اند؛ ممکن است علت این سکوت روشن بودن مفهوم نکاح بوده است. علامه حلی در تحریر الاحکام می‌نویسد: «اقترب به واقع آن است که نکاح در معنای عقد حقیقت است و در معنای وطنی مجاز است» (حلی، ۱۴۲۰ق، ج ۳: ۴۱۳). صاحب

کشف اللثام نیز بعد از بیان معنای لغوی نکاح می‌گوید: «لفظ نکاح در شرع حقیقت در عقد است بنا بر اشهر» (فاضل هندی، ۱۴۱۶ق، ج ۵: ۷).

در قانون مدنی هم برای واژه نکاح تعریفی ارائه نشده است. ولی در اصطلاح حقوقدانان نکاح بیشتر به معنای ازدواج به کار می‌رود و کمتر از آن به معنای وطی و نزدیکی استفاده شده است. به‌هر حال برای نکاح در اصطلاح حقوق تعاریفی بیان شده است که به یکی از آن‌ها اشاره می‌شود: «نکاح عقدی است که به موجب آن زن و مردی به منظور تشکیل خانواده و شرکت در زندگی، باهم متحد می‌شوند.» (کاتوزیان، ۱۳۸۸، ج ۱: ۲۰؛ جعفری لنگرودی، ۱۳۷۲: ۷۲۱؛ امامی، بی تا، ج ۴: ۲۶۸؛ محقق داماد، ۱۳۸۵: ۲).

علی‌رغم تعاریف متعدد از نکاح به نظر می‌رسد بتوان نکاح را این‌گونه تعریف کرد: نکاح قراردادی لفظی است که به موجب شرع باعث حلیت مرد و زن نسبت به یکدیگر می‌گردد. تأکید بر کلمه «لفظی» در تعریف فوق نشئت گرفته از لزوم به کار بردن لفظ در عقد نکاح، میان فقها و همچنین قانون مدنی است؛ همچنین عبارت لفظ در تعریف فوق حاکی از اراده باطنی است که جامه ظاهر به تن کرده و نمود خارجی یافته است. همچنین عبارت لفظ تعیین‌کننده دائم یا موقتی بودن نکاح است.

۲-۲- لفظ سفید

واژه سفید در لغت ناظر بر رنگ سفید در مقابل سیاه است و در اصطلاح رنگ سفید تداعی‌کننده پاکی، نورانیت، بی‌گناهی و صلح است و در اکثر ملیت‌ها نماد معصومیت و بکارت است (فهیمی، ۱۳۹۶: ۳).

۲-۳- اصطلاح ازدواج سفید

برای ازدواج سفید^۱ معادلی در فرهنگ آکسفورد دیده نمی‌شود. معنای غربی آن کاملاً متفاوت است و به ازدواج‌هایی دلالت دارد که با انجام مراسم قانونی برای دور زدن قانون مهاجرت یا مسائل دیگر از آن استفاده می‌شود. اما چیزی که از آن به زندگی مشترک زن و مرد به همراه روابط جنسی بدون ازدواج یاد می‌شود در فرهنگ آکسفورد «همباشی»^۲ آمده است^۳، یعنی حتی فرهنگ غرب نیز این رابطه را ازدواج نمی‌داند و «همباشی» تعریف می‌کند (شریفی، ۱۳۹۳).

1 . white marriage

2 . cohabitation

3 . Live together and have a sexual relationship without being married

به نظر برخی «ازدواج سفید»^۱ واژه‌ای فرانسوی است که به زندگی مشترک یک زن و مرد اشاره دارد بدون آن‌که پیوندی قانونی و شرعی بین آن‌ها منعقدشده باشد (مهر ۱۳۹۵ // <https://www.ghatreh.com>).

همباشی زمانی که دو فرد مجرد از دو جنس متفاوت قبل از ازدواج باهم زندگی می‌کنند، اتفاق می‌افتد. این برای افرادی است که به تعهد اجتماعی و شخصی که ازدواج لازم دارد تمایل ندارند. به عبارت بهتر مفهوم ازدواج سفید دلالت بر زندگی مشترک بدون ازدواج دارد که تعهد و استحکامی در آن نیست و دو طرف خود را در برابر هم پایبند و مسئول نمی‌دانند و سوءاستفاده در آن زیاد است (قنبریان، ۱۳۹۶: ۳).

۳- انواع ازدواج سفید و بررسی فقهی و حقوقی آن‌ها

همان‌طور که در مقدمه اشاره شد در یک تقسیم‌بندی می‌توان گفت: در ازدواج سفید یا طرفین قصدی برای ازدواج شرعی دارند یا چنین قصدی ندارند و آنجا که قصد برای ازدواج شرعی دارند یا لفظ به کار می‌برند یا لفظ به کار نمی‌برند؛ بنابراین طبق این تقسیم‌بندی ابداعی و در طی سه عنوان مجزا به بررسی فقهی و حقوقی ازدواج سفید می‌پردازیم:

الف - حالتی که اساساً طرفین هیچ‌گونه قصدی برای ازدواج شرعی ندارند.

ب- صورتی که طرفین قصد بر ازدواج دارند اما بدون لفظ؛ به عبارت دیگر این حالت همان نکاح معاطاتی است و شاید بتوان گفت: نکاح معاطاتی در لسان فقها یکی از مصادیق ازدواج سفید محسوب می‌شود.

ج- فرضی که طرفین هم قصد بر ازدواج دارند و هم لفظ را به کار می‌برند اما سایر شرایط محقق نیست.

۳-۱- فقدان قصد ازدواج شرعی

همان‌طور که بیان گردید یکی از مصادیق ازدواج سفید جایی است که طرفین بدون هیچ‌گونه قصدی برای ازدواج صحیح شرعی مدتی را در کنار یکدیگر قرار می‌گیرند و اتفاقاً عمده مصادیق همباشی از این نوع است (فهمی، ۱۳۹۶: ۱). در این راستا ابتدا لازم است نقش اراده در ایجاد عقد به صورت یک قاعده کلی بررسی گردد؛ سپس تفکیک اراده به قصد و رضا و نظریات حاکم در این باب بیان گردد و درنهایت و با استفاده از قواعد عمومی قراردادها در باب قصد و رضا حکم خاص ازدواج سفید در حالت فقدان قصد مورد مذاقه قرار بگیرد.

۳-۱-۱- اراده، قصد و رضا

علمای لغت اراده را از ماده «ر و د» و «ر ی د» به معنای خواستن، قصد داشتن، طلب و برگزیدن، آورده‌اند. (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۲: ۱۷۷۲؛ فیومی، بی تا، ج ۲: ۲۴۵؛ ابن اثیر، بی تا، ج ۲: ۲۸۸؛ جوهری، ۱۴۱۰ق، ج ۲: ۴۷۸). به نظر می‌رسد فقها برای اراده، تعریفی ارائه نکرده‌اند و تنها برخی از فقها اجزای تشکیل‌دهنده اراده را ذکر کرده و ابراز داشته‌اند که اراده همان قصد و رضا است و از شرایط متعاقدان محسوب می‌شود (کرکی، ۱۴۱۴ق، ج ۴: ۶۱؛ نجفی، ۱۴۰۴، ج ۲۲: ۶۰) اما در اصطلاح حقوق دانان اراده، یک نوع تحریک عصبی و عمل دماغی است که انسان به وسیله آن می‌تواند اموری را انجام دهد (امامی، بی تا، ج ۴: ۱۵).

در فقه اسلامی اهمیت اراده در ایجاد آثار حقوقی به اندازه‌ای است که اگر عاقد، لفظ یا مدلول آن را قصد نکند یا قصد انشاء عقد را نداشته باشد عمل او باطل و غیر نافذ است (انصاری، ۱۴۱۵ق، ج ۳: ۲۹۵؛ تستری، بی تا: ۱۱۴؛ یزدی، ۱۴۲۱ق، ج ۲: ۱۴۰؛ مغنیه، ۱۴۲۱ق، ج ۳: ۶۵). در قانون مدنی نیز اراده، قصد و رضای طرفین عقد از شرایط اساسی صحت عقد دانسته شده است و نبود اراده و قصد موجب بطلان و عدم نفوذ عقد دانسته شده است (قانون مدنی ایران، مواد ۱۰۷۰، ۱۹۱، ۱۹۰). اما قصد در لغت به عزم و توجه و برخاستن به سوی چیزی (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۳: ۳۵۵) و هم‌چنین در پیش گرفتن راه و آوردن شیء و چیزی معنا شده است (جوهری، ۱۴۱۰ق، ج ۲: ۵۲۴). در اصطلاح فقها هم قصد، مصمم شدن به انجام عملی است خواه تصمیم‌گیرنده رضایت به اقدام خود داشته باشد خواه رضایت نداشته باشد (نائینی، ۱۳۷۳ق، ج ۱: ۱۷۷)، در اصطلاح حقوقی قصد انشاء ایجاد امر متصور است (امامی، بی تا، ج ۴: ۱۸۰) در نتیجه می‌توان گفت مراد از قصد در عقود و ایقاعات، قصد انشاء یا اراده ایجاد عقد است.

کلمه رضا در لغت متضاد کلمه سخط و به معنی موافقت و خشنودی است (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۱۴: ۳۲۳) که معنای دیگر آن اختیار بیان شده است (فیومی، بی تا، ج ۲: ۲۲۹) و اصل این ماده به موافقت میل آدمی به آنچه با آن مواجه است دلالت دارد (مصطفوی، ۱۴۰۲ق، ج ۴: ۱۵۲). برخی از فقهای امامیه قصد و رضا را تحت عنوان «اختیار» می‌آورند و منظور از آن را «قصد به وقوع مضمون عقد از روی طیب نفس در خارج» می‌دانند؛ در این حالت رضا مقابل کراهت است نه مقابل جبر، زیرا اگر مقابل جبر باشد عقد مکره به دلیل خالی بودن از قصد به لحاظ موضوعی خارج از مفهوم عقد است (انصاری، ۱۴۱۵ق، ج ۳: ۳۰۷). برخی دیگر نیز مقصود از «اختیار» را رضا می‌دانند (مکارم شیرازی، ۱۴۲۵ق، ج ۱: ۲۲۹).

در اصطلاح حقوقی، رضا به معنای میل قلب به طرف یک عمل حقوقی که در گذشته انجام شده است، یا در حال حاضر در دست انجام است و یا بعداً واقع خواهد شد، می‌باشد. رضا هم به زمان گذشته هم به زمان حال و هم به زمان آینده تعلق می‌گیرد برخلاف قصد انشا که فقط به زمان حاضر تعلق می‌گیرد (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۲: ۳۳۵). به عبارت دیگر هنگامی که منافع و مضار کالای مورد نظر سنجیده شد پس از برتری داشتن منافع بر مضار اشتیاق به ایجاد ملکیت کالا پیدا می‌شود این اشتیاق به ایجاد ملکیت را رضا می‌گویند (امامی، بی تا، ج ۱: ۱۸۰).

۳-۱-۲- حاکمیت قصد و رضای ظاهری یا باطنی

ترجیح قصد و رضای باطنی بر قصد و رضای ظاهری و بالعکس و تأثیر آن بر عمل حقوقی از موضوعات مهم در این باب است. در اکثر موارد قصد و رضای باطنی بر ایجاد عمل حقوقی با قصد و رضای ظاهری هماهنگ است و به عبارت دیگر در مقام انشا و ایجاد همان چیزی در عالم خارج پدیدار می‌گردد که مورد قصد باطنی بوده است. اما در مواردی بین قصد و رضای ظاهری و باطنی در ایجاد یک عمل حقوقی تعارض وجود دارد مثلاً قصد باطنی بیع است اما این قصد در قالب اجاره انشا می‌شود؛ در این جا باید دید در مقام تعارض کدام یک از دو قصد - باطنی و ظاهری - اصل و حاکم تلقی می‌گردد. طبیعی است در حالت اول ازدواج سفید که اساساً قصدی برای ازدواج شرعی وجود ندارد بحث تعارض قصد ظاهری و باطنی به وجود نمی‌آید.

برخی معتقدند عامل اصلی ایجاد اثر حقوقی قصد و اراده باطنی نیست بلکه الفاظ و افعال است؛ پس اگر شخصی ادعا کند که آنچه در باطن داشتم غیر از آنچه هست که بیان کردم مسموع نخواهد بود زیرا نظم اجتماعی و حقوق نوعی اقتضا می‌کند که افراد به مفاد گفته‌های خود پایبند باشند (محقق حلی، ۱۴۰۹ق، ج ۲: ۷؛ عاملی، بی تا، ج ۱: ۲۵۲؛ انصاری، ۱۴۱۵ق، ج ۳: ۶۹). در مقابل برخی قائل به حاکمیت قصد و رضای باطنی هستند؛ بر اساس این نظریه عامل اصلی در ایجاد اثر حقوقی قصد و اراده باطنی است و کاشف از این اراده باطنی طریقت دارد نه موضوعیت و الفاظ ایجاب و قبول کاشف از قصد باطنی خواهد بود؛ پس اگر ایجاب و قبول با اراده باطنی مغایرت داشته باشد فاقد اثر است (عاملی، ۱۴۱۳ق، ج ۷: ۸۸؛ انصاری، ۱۴۱۵ق، ج ۳: ۲۹۵).

۳-۱-۳- حکم خاص ازدواج سفید در حالت فقدان قصد

پس از بیان قاعده عمومی و کلی در باب لزوم قصد در فقه و حقوق، حال باید دید حکم خاص ازدواج سفید در حالت فقدان قصد مبنی بر ایجاد ازدواج صحیح شرعی چیست؟ در این حالت مشخص است که طرفین قصد و اراده‌ای برای تشکیل خانواده ندارند و صرفاً قصد همباشی موقت

رادارند. همان‌طور که در ابتدای هم بیان گردید در اغلب موارد قصد طرفین همباشی است و عده محدودی برای آشنایی و ادامه زندگی روی به چنین ازدواجی می‌آورند و لذا در فرض همباشی موقت اراده و قصد طرفین برای عقد نکاح مخدوش است و اصلاً قصد و اراده‌ای برای شکل‌گیری این عمل حقوقی ایجاد نشده است؛ پس شرط قصد و رضای طرفین که از شروط صحت نکاح است را ندارد لذا عمل طرفین باطل است.

اما درجایی که قصد ادامه زندگی داشته باشند می‌توان گفت اراده و قصد برای ایجاد عقد و عمل حقوقی نکاح شکل گرفته است؛ این نکته مهم است که برای شکل‌گیری و انعقاد عقد دو عنصر لازم است یکی اراده و قصد و رضا و دیگری آنچه بر این اراده و قصد و رضا دلالت دارد. اعلام اراده در ازدواج سفید به لفظ نیست بلکه به فعل و عمل است. در قانون مدنی در ماده ۱۹۳ درباره جایی که به کار بردن الفاظ برای طرفین ممکن باشد اما طرفین قصد خود را با عمل اظهار کنند آمده است: «انشا معامله ممکن است به وسیله عملی که مبین قصد و رضا باشد مثل قبض و اقباض حاصل گردد مگر در مواردی که قانون استثناء کرده باشد». اما عقد نکاح به موجب ماده ۱۰۶۲ قانون مدنی استثناء شده و به صراحت اعلام می‌کند نکاح واقع می‌شود به ایجاب و قبول و به الفاظی که صریحاً دلالت بر قصد ازدواج نماید.

پس در فرض قصد طرفین برای ازدواج عنصر اعلام اراده طرفین مخدوش است و شرط صحت را ندارد؛ بنابراین در حالت اول ازدواج سفید به دلیل فقدان قصد، سخن از تعارض میان قصد ظاهری و باطنی بی‌معناست.

۳-۲- ازدواج همراه با قصد و بدون لفظ

در برخی موارد قصد طرفین از همباشی این است که مدتی در کنار یکدیگر زندگی می‌کنند تا با ارزیابی یکدیگر به این نتیجه برسند که آیا می‌توانند طرف مقابل را به‌عنوان همسر خود انتخاب نمایند یا خیر؟ به عبارت بهتر با این قصد وارد همباشی می‌شوند که با شناخت بهتری از طرف مقابل زندگی مشترک را در قالب ازدواج شرعی آغاز نمایند. در این مسیر ممکن است این قصد همچنان پابرجا بماند و درنهایت به ازدواج صحیح شرعی منتهی گردد و ممکن است با گذر زمان قصد ازدواج شرعی کمرنگ گردیده و درنهایت نابود شود. قریب به همین معنا در فقه امامیه موضوعی تحت عنوان نکاح معاطاتی مورد مذاقه علما قرار گرفته است (موسوی خمینی، ۱۳۷۹: ۱۸۰).

در راستای پژوهش پیرامون حکم ازدواج سفید در حالت قصد بدون لفظ ابتدا لازم است طرق ابراز قصد در عقود و معاملات به طور اعم و نکاح به طور اخص بیان گردد و سپس ادله قائلین به صحت و بطلان نکاح معاطاتی مورد مذاقه قرار بگیرد.

۳-۲-۱- طرق ایجاد قصد و رضا

همان گونه که گفته شد قصد و رضا (اراده) امری باطنی است و در عالم واقع نمی توان بر این امر درونی اثری مترتب شود این امر درونی برای اینکه اثرگذار باشد باید در خارج و واقع ظهور یابد و به وسیله یکی از اسباب متعارف ابراز شود. حال در مسیر تحقق قصد در عالم خارج می توان از راه های متعددی استفاده کرد مثل لفظ، کتابت، اشاره و فعل.

در فقه، الفاظ بهترین وسیله ابراز قصد دانسته شده است و طبق نظر مشهور در عقود و ایقاعات وجود الفاظ لازم است (انصاری، ۱۴۱۵ق، ج ۳: ۱۱۷). در مقابل برخی از فقها از جمله آیت الله خویی می گوید: حقیقت هر امر انشایی به اعتبار نفسانی وابسته است که با مبرز خارجی ابراز می شود چه این مبرز فعل، قول یا هر وسیله دیگری باشد و معیار این است که عنوان عقد بر آنچه ابراز شده است صدق کند و دلیلی بر تخصیص وسیله ابراز به مورد خاصی وجود ندارد (توحیدی، بی تا، ج ۳: ۱۶). طبق این دیدگاه می توان از هر وسیله عرفی که صلاحیت انشاء عقد داشته باشد برای انعقاد عقود استفاده کرد؛ بنابراین هر عقدی که به وسیله ای متعارف ابراز شده باشد معتبر است.

اما در مورد نکاح وضعیت متفاوت است زیرا فقها اتفاق نظر دارند که در انجام عقد نکاح وقوع ایجاب و قبول لفظی لازم و ضروری است. به عنوان نمونه مرحوم بحرانی می گوید: علمای امامیه و اهل سنت اجماع دارند بر اینکه نکاح بر ایجاب و قبول لفظی متوقف است (بحرانی، ۱۴۰۵ق، ج ۲۳: ۱۵۶). افزون بر فقه طبق ماده ۱۰۶۲ قانون مدنی: «نکاح واقع می شود به ایجاب و قبول به الفاظی که صریحاً دلالت بر قصد ازدواج بنماید».

بنابراین اگر طبق قواعد عمومی پیش برویم و نظریه حاکمیت اراده باطنی پذیرفته شود، می توانیم با فرض وجود سایر شرایط قائل به صحت ازدواج سفید شویم؛ اما با توجه به قاعده خاصی که در نکاح وجود دارد و هم در فقه و هم در حقوق به انشاء لفظ تأکید شده است نمی توان هیچ وجهی برای صحت ازدواج سفید در این حالت پیدا کرد؛ در نتیجه این شرط از شرایط صحت نکاح نیز در پدیده ازدواج سفید مخدوش است زیرا مبرز قصد در اینجا فعلی است و گفتیم اجماع فقها و صراحت قانون بر این است که چنین ابرازی مورد پذیرش نیست و تنها با ابراز لفظی قصد طرفین بر نکاح هست که رابطه زوجیت محقق می شود.

۳-۲-۲- حکم ازدواج سفید در مقایسه با نکاح معاطاتی

گفته شد یکی از مصادیق ازدواج سفید، همباشی همراه قصد بدون لفظ است که منطبق بر نکاح معاطاتی در لسان فقها است؛ بنابراین لازم است دیدگاه فقها اولاً و بالذات در مورد نکاح معاطاتی مورد بررسی قرار گیرد تا به تبع آن، ثانیاً و بالعرض حکم ازدواج سفید هم معین گردد. دیدگاه بطلان نکاح معاطاتی در فقه امامیه از اعتبار زیادی برخوردار است به گونه‌ای که می‌توان گفت: تقریباً تمام فقهایی که متعرض بحث نکاح شده‌اند، بر لزوم لفظی بودن ایجاب و قبول تأکید نموده‌اند (طوسی، ۱۳۸۷، ج ۴: ۱۹۳؛ عاملی، ۱۴۱۳، ج ۵: ۱۰۸؛ یزدی، ۱۴۲۱، ج ۲: ۸۵۱؛ نجفی، ۱۴۰۴، ج ۲۹: ۱۳۲؛ انصاری، ۱۴۱۵، ج ۷۸).

بعضی با توجه و استناد به تفسیر روایی آیه ۲۱ سوره نساء: «و چگونه آن را باز پس می‌گیرید، در حالی که شما با یکدیگر تماس و آمیزش کامل داشته‌اید و از این گذشته آن‌ها پیمان محکمی از شما گرفته‌اند؟» قائل به بطلان نکاح معاطاتی شده‌اند (نراقی، ۱۴۱۵، ج ۱: ۱۴۱۸، ج ۳۳: ۱۲۹). بعضی از محققین و فقها هم بر بطلان نکاح معاطاتی و اینکه در این نوع از عقد لفظی بودن لازم است، به روایاتی (طوسی، ۱۳۶۵، ج ۷: ۵۰؛ حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۲۱: ۴۳) استناد کرده‌اند (حسینی مراغی، ۱۴۱۷، ج ۲: ۸۸؛ خویی، ۱۴۱۸، ج ۳۳: ۱۲۹). جمع قابل توجهی از فقها نیز برای لزوم لفظی بودن ایجاب و قبول در عقد نکاح، به اجماع تمسک کرده‌اند (انصاری، ۱۴۱۵، ج ۷۸: حائری، ۱۴۱۹، ج ۱۰: ۱۱؛ بحرانی، ۱۴۰۵، ج ۲۳: ۱۵۷؛ موسوی خمینی، بی‌تا، ج ۱: ۲۶۹). برخی هم به اصول عملیه استناد کرده‌اند (نراقی، ۱۴۱۵، ج ۱۶: ۸۴) که تلویحاً بر فقدان دلیل بر بی‌اعتباری نکاح معاطاتی اعتراف دارد.

مطابق نظر فقهایی که قائل به بطلان نکاح معاطاتی هستند دیگر جایگاهی برای ازدواج سفید باقی نمی‌ماند چراکه در نکاح معاطاتی که صرفاً لفظ نیست و قصد طرفین با عمل و به صورت آشکار مشخص می‌شود و خانواده طرفین در جریان ازدواج هستند قائل به بطلان هستند؛ پس به طریق اولی در ازدواج سفید در قسمی که طرفین قصد ازدواج دارند اما به خاطر اینکه زیر بار مسئولیت نروند عقدی خوانده نمی‌شود و ثبت نمی‌گردد و اغلب به صورت مخفی و بدون اطلاع - حتی خانواده - صورت می‌گیرد حکم به بطلان چنین ازدواجی می‌دهند.

در مقابل، نظریه صحت نکاح معاطاتی در فقه جایگاهی ندارد و تقریباً هیچ فقیه صاحب نامی دیده نشده است که قائل به صحت نکاح معاطاتی باشد؛ اما قول نادری مبنی بر صحت نکاح معاطاتی وجود دارد؛ مانند «عقد یا قرارداد ازدواج به هر زبانی که باشد درست است و اگر هم بدون لفظ ویژه‌اش «انکحت» یا «نکاح کردم» باشد، در صورتی که انجام ازدواج کند، کافی است عمده این

است که معلوم باشد قضیه رفیق‌بازی و زنا در کار نیست، بلکه مقصود زناشویی و تشکیل زندگی جدید است، چه دائمش و چه موقتش» (صادقی تهرانی، بی‌تا: ۱۷۳) اگر چنین مطلبی را بپذیریم و ازدواج سفید را هم در کلام فقها حمل بر نکاح معاطاتی نماییم، می‌توان قائل به صحت ازدواج سفید در قسم دوم شد.

۳-۳- ازدواج همراه با قصد و لفظ

آخرین حالتی که برای ازدواج سفید متصور است حالتی است که طرفین با قصد ازدواج در کنار یکدیگر قرار می‌گیرند و علاوه بر آن ایجاب و قبول لفظی را نیز به کار می‌برند؛ اما آنچه در این بین مفقود است سایر شرایط صحت ازدواج صحیح شرعی است. از آنجاکه در این حالت ایجاب و قبول لفظی هم وجود دارد، در ابتدای امر باید بررسی شود آیا هر ایجاب و قبولی می‌تواند باعث انعقاد ازدواج سفید شود؛ پس از بررسی شرایط ایجاب و قبول بایستی سایر شرایط صحت نکاح بررسی گردد: لزوم اذن ولی در ازدواج دختر باکره، لزوم ذکر مهر و مدت در ازدواج موقت.

۳-۳-۱- شرایط ایجاب و قبول لفظی و تطبیق آن بر ازدواج سفید

یکی از شرایط نکاح صحیح شرعی ایجاب و قبول لفظی است اما به جهت حساسیت موضوع نکاح و ارتباط آن با تربیت نسل، فقهای عظام جانب احتیاط را در پیش گرفته و علاوه بر لزوم استعمال لفظ، شرایط دیگری را نیز برای ایجاب و قبول بیان نموده‌اند که در اینجا به شرایط مبتلابه و اساسی اکتفا می‌گردد. این شرایط عبارتند از: عربی بودن لفظ (عاملی، ۱۴۱۳ق، ج ۵: ۱۱۱؛ موسوی خمینی، بی‌تا، ج ۲: ۲۴۶)، اعتبار صیغه خاص (نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۲۹: ۱۳۲) و تقدم ایجاب بر قبول (نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۲: ۱۴۱؛ حسینی مراغی، ۱۴۱۷ق، ج ۱: ۳۱۹).

بر طبق آنچه بیان شد در حالت سوم ازدواج سفید طرفین علاوه بر قصد، لفظ را هم به کار می‌برند. حال انشاء لفظ در این حالت از دو حال خارج نیست یا شرایط موردنظر در فقه وجود دارد یا این شرایط موجود نیست. اگر طرفین شرایط ایجاب و قبول لفظی را رعایت نکنند و با الفاظ دیگری ایجاب و قبول را بیان کنند مثلاً پسر بگوید «تو را گرفتم» و دختر بگوید «او کی» یا دختر بگوید «تو شوهر من باش» پسر بگوید «چشم» در این صورت قطعاً الفاظ موردنظر شرعی استعمال نشده و وجود این الفاظ کالعدم است؛ به عبارت دیگر اساساً این گونه الفاظ را به حساب نمی‌آوریم و بار فقهی و حقوقی برای آن‌ها قائل نیستیم در نتیجه همان احکام حالت دوم ازدواج سفید - قصد بدون لفظ - را خواهد داشت و ملحق به آن حالت می‌گردد. اما اگر طرفین شرایط

ایجاب و قبول شرعی را مراعات نمایند و ایجاب و قبول را به زبان عربی بیان کنند و از صیغه‌های مخصوص شرعی استفاده نمایند در این صورت حکم حالت سوم ازدواج سفید - قصد همراه با لفظ - را خواهد داشت که در ادامه به بیان آن می‌پردازیم.

۳-۳-۲- اذن ولی در ازدواج و حکم ازدواج سفید

در مورد ضرورت اذن ولی در ازدواج دختر باکره بین فقها اختلاف نظر وجود دارد (نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۲۹: ۱۷۵؛ انصاری، ۱۴۱۵ق: ۱۲۵؛ لنکرانی، ۱۴۲۵ق: ۴۲۷) لکن با توجه قانون مدنی (ماده ۱۰۴۳ قانون مدنی اصلاحیه ۱۳۶۱) می‌بایست ملتزم به ضرورت اذن ولی شد؛ بنابراین در حالتی که طرفین با قصد ازدواج و انشای صیغه اقدام به ازدواج سفید می‌کنند سه حالت متصور است:

۱- اگر دختر غیر باکره باشد اساساً اذن ولی ساقط می‌شود در این صورت اگر سایر شرایط صحت نکاح هم موجود باشد موضوعات از ازدواج سفید خارج است و داخل در ازدواج صحیح شرعی می‌شود.

۲- اگر دختر باکره باشد و اذن ولی را هم اخذ کرده باشد در صورتی که سایر شرایط صحت نکاح موجود باشد به لحاظ موضوعی از ازدواج سفید خارج می‌شود.

۳- اگر دختر باکره باشد و اذن ولی را نگرفته باشد، باید گفت از آنجاکه هم از نظر فقهی و هم از نظر قانونی اذن ولی در ازدواج ضروری است، ازدواج صورت گرفته باطل است؛ یکی از مصادیق ازدواج سفید در حالت سوم همین مورد سوم است که ملاحظه کردیم چون اذن ولی وجود ندارد، پس ازدواج باطل است.

۳-۳-۳- لزوم ذکر مهر و مدت در ازدواج موقت و حکم ازدواج سفید

نزدیک‌ترین موضوعی که می‌توان در پرتو آن قائل به صحت ازدواج سفید شد، ازدواج موقت است و از آنجاکه در فقه امامیه در صحت ازدواج موقت هیچ‌گونه تردیدی وجود ندارد برخی تلاش کردند تا ازدواج سفید را نوعی ازدواج موقت و از اقسام آن معرفی نمایند زیرا در ازدواج موقت زن و مرد برای مدت مشخصی با یکدیگر پیوند زناشویی برقرار نموده و پس از پایان مدت یا بذل مدت توسط شوهر ازدواج موقت خاتمه می‌یابد. در ازدواج سفید نیز دختر و پسر موقتاً و برای شناخت یکدیگر و به قصد ازدواج مدت‌زمانی را در کنار یکدیگر سپری می‌کنند. اما آنچه در این میان شایسته بررسی است صحت این ادعاست آیا واقعاً ازدواج سفید از اقسام ازدواج موقت محسوب می‌شود و ارکان ازدواج موقت را داراست؟

واضح است که این ادعا در حالات اول و دوم ازدواج سفید اساساً ادعایی بلاوجه است زیرا در حالت اول اساساً قصدی وجود ندارد و در حالت دوم گرچه قصد وجود دارد اما ایجاب و قبول لفظی وجود ندارد بنابراین از همین ابتدا بایستی گفت این ادعا که ازدواج سفید قسمی از اقسام ازدواج موقت محسوب می‌گردد اخص از مدعاست. در ادامه شاخص‌ترین ارکان ازدواج موقت یعنی مدت و مهر مورد بررسی قرار می‌گیرد و سپس با ازدواج سفید تطبیق داده می‌شود و در مقام داوری صحت و بطلان این ادعا بررسی می‌گردد.

در ازدواج موقت مدت باید ذکر گردد به صورتی که احتمال کم‌وزیاد شدن در آن وجود نداشته باشد (عاملی، ۱۴۱۳ق، ج ۷: ۴۴۷؛ نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۳۰: ۱۷۲؛ موسوی خمینی، بی‌تا، ج ۲: ۲۹۰). لکن اگر مدت ذکر نشود، در حکم آن اختلاف نظر وجود دارد (کرکی، ۱۴۱۴ق، ج ۱۳: ۲۶؛ حائری، ۱۴۱۹ق، ج ۱۱: ۱۰؛ حسینی شیرازی، ۱۴۰۷ق، ج ۶۵: ۲۹۷).

ذکر مهر نیز در ازدواج موقت از ارکان عقد موقت محسوب می‌شود به گونه‌ای که ذکر نکردن آن موجب بطلان عقد می‌گردد (عاملی، ۱۴۱۳ق، ج ۷: ۴۳۹؛ نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۳۰: ۱۶۲؛ موسوی خمینی، بی‌تا، ج ۲: ۲۸۹).

حال سؤال این است بفرض در همباشی قصد و لفظ وجود داشته باشد آیا می‌توان آن را در قالب ازدواج موقت - که از نظر شرعی صحیح است - در نظر گرفت یا خیر؟

در جواب این سؤال بایستی گفت: در ازدواج سفید طرفین نه تنها زمانی را برای زوجیت خود تعیین نمی‌کنند، بلکه هیچ‌گونه مهریه و حقوق مالی نیز برای زن تعیین نمی‌شود. هم‌چنین در عقد موقت با پایان مدت زمان عقد یا با بخشیدن باقی مدت از طرف مرد، پیمان عقد باطل می‌شود؛ اما در ازدواج سفید همان‌گونه که بیان شد، اصلاً قید زمان ذکر نمی‌شود و رابطه زن و مرد هر زمان که یک‌طرف اراده کند، به پایان خواهد رسید.

بحث و نتیجه‌گیری

در یک تقسیم‌بندی می‌توان گفت در ازدواج سفید یا طرفین قصدی برای ازدواج شرعی دارند یا چنین قصدی ندارند و آنجا که قصد برای ازدواج شرعی دارند یا لفظ به کار می‌برند یا لفظ به کار نمی‌برند.

حالت اول ازدواج سفید زمانی است که اصولاً طرفین قصدی برای ازدواج شرعی ندارند و طرفین بدون هیچ‌گونه قصدی برای ازدواج صحیح شرعی مدتی در کنار یکدیگر قرار می‌گیرند؛ در اغلب موارد قصد طرفین همباشی است و عده محدودی برای آشنایی و ادامه زندگی روی

به چنین ازدواجی می‌آورند و لذا در فرض همباشی موقت اراده و قصد طرفین برای عقد نکاح مخدوش است و اصلاً قصد و اراده‌ای برای شکل‌گیری این عمل حقوقی ایجاد نشده است. پس شرط قصد و رضای طرفین که از شروط صحت نکاح است را ندارد و در نتیجه عمل طرفین باطل است و ازدواج شرعی قانونی محقق نشده است.

حالت دوم ازدواج سفید قصد بدون لفظ است یعنی قصد طرفین از همباشی این است که مدتی در کنار یکدیگر زندگی می‌کنند تا با ارزیابی یکدیگر به این نتیجه برسند که آیا می‌توانند طرف مقابل را به‌عنوان همسر خود انتخاب نمایند یا خیر؟ به عبارت بهتر با این قصد وارد همباشی می‌شوند که با شناخت بهتری از طرف مقابل زندگی مشترک را در قالب ازدواج شرعی آغاز نمایند. در این حالت اگر طبق قواعد عمومی پیش برویم و نظریه حاکمیت اراده باطنی را بپذیریم، می‌توانیم با فرض وجود سایر شرایط قائل به صحت ازدواج سفید شویم، اما با توجه به‌قاعده خاصی که در نکاح وجود دارد و در فقه و حقوق به انشاء لفظ تأکید شده است نمی‌توان هیچ‌وجهی برای صحت ازدواج سفید در این حالت پیدا کرد. در نتیجه این شرط نیز در پدیده ازدواج سفید مخدوش است. زیرا مبرز قصد در اینجا فعلی است و گفتیم اجماع فقها و صراحت قانون بر این است که چنین ابرازی مورد پذیرش نیست و تنها با ابراز لفظی قصد طرفین بر نکاح است که رابطه زوجیت محقق می‌شود.

این حالت از ازدواج سفید در واقع همانی است که فقها از آن تعبیر به نکاح معاطاتی کرده‌اند؛ دیدگاه بطلان نکاح معاطاتی در فقه امامیه از اعتبار زیادی برخوردار است. به‌گونه‌ای که می‌توان گفت که تقریباً تمام فقهایی که متعرض بحث نکاح شده‌اند، بر لزوم لفظی بودن ایجاب و قبول تأکید نموده‌اند و برای اثبات دیدگاه خود به آیات، روایات، اجماع و اصل عملی تمسک کرده‌اند. با عنایت به پذیرش این دیدگاه می‌توان حکم ازدواج سفید در حالتی که قصد وجود دارد، اما لفظی در کار نیست را به دست آورد زیرا ازدواج سفید در این حالت عبارت اخرای نکاح معاطاتی است. در نتیجه ازدواج سفید هم در صورتی که همراه با قصد بدون لفظ باشد به اجماع نظر فقها باطل است. آخرین حالتی که برای ازدواج سفید متصور است حالتی است که طرفین با قصد ازدواج در کنار یکدیگر قرار می‌گیرند و علاوه بر آن ایجاب و قبول لفظی را نیز به کار می‌برند، اما آنچه در این بین مفقود است سایر شرایط صحت ازدواج صحیح شرعی مانند اذن ولی و مهر و مدت در ازدواج موقت است.

در حالت سوم ازدواج سفید با در نظر گرفتن اذن ولی باید گفت: اگر دختر غیر باکره باشد اساساً اذن ولی ساقط می‌شود یا اگر دختر باکره باشد ولی اذن ولی را هم اخذ کرده باشد، در این

دو صورت اگر سایر شرایط صحت نکاح هم موجود باشد به لحاظ موضوعی از ازدواج سفید خارج است و وارد ازدواج صحیح شرعی می‌شود؛ لیکن اگر دختر باکره باشد و اذن ولی را نگرفته باشد، باید گفت: از آنجاکه هم از نظر فقهی و هم از نظر قانونی اذن ولی در ازدواج ضروری است؛ بنابراین ازدواج صورت گرفته باطل است.

در حالت سوم ازدواج سفید و با در نظر گرفتن مهر و مدت بایستی گفت: در ازدواج سفید طرفین نه تنها زمانی را برای زوجیت خود تعیین نمی‌کنند، بلکه هیچ‌گونه مهریه و حقوق مالی نیز برای زن تعیین نمی‌شود. همچنین در عقد موقت با پایان مدت زمان عقد یا با بخشیدن باقی مدت از طرف مرد، پیمان عقد باطل می‌شود، اما در ازدواج سفید اصلاً قید زمان ذکر نمی‌شود و رابطه زن و مرد هر زمان که یک‌طرف اراده کند، به پایان خواهد رسید.

پیشنهاد‌های پژوهش

در نهایت با توجه به یافته‌های پژوهش پیشنهاد می‌شود:

۱- آسان کردن ازدواج در جامعه و از بین بردن یا به حداقل رسانیدن تجملات شروع زندگی که می‌تواند منجر به ترغیب جوانان به سوی ازدواج شرعی و قانونی شود. منظور از ازدواج آسان این است که روند ازدواج با سهل‌گیری و تلاش برای کم کردن موانع در مسائل مالی و اجرایی ازدواج طی شود.

۲- با توجه به روند افزایشی همباشی مخصوصاً در شهرهای بزرگ، افزایش معرفت و شناخت و اطلاعات نسبت به تبعات حقوقی و شرعی ازدواج سفید برای خانواده‌ها و به خصوص جوانان امری ضروری است و در نهایت باید هدف اصلی تبدیل ازدواج موسوم به سفید به ازدواج قانونی آسان و نهادهای زوجیت موجود در قالب ازدواج شرعی باشد.

منابع

- ◀ قانون مدنی
- ◀ ابن اثیر جزری، مبارک بن محمد، *النهایه فی غریب الحدیث و الأثر*، اول، قم: موسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، بی تا.
- ◀ ابن فارس، ابو الحسین احمد بن زکریا، (۱۴۰۴ ق). *معجم مقاییس اللغة*، اول، قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
- ◀ ابن منظور، ابوالفضل جمال الدین محمد بن مکرم، (۱۴۱۴ ق). *لسان العرب*، سوم، بیروت: للطباعة و النشر و التوزیع.
- ◀ امامی، سید حسن، *حقوق مدنی*، اول، تهران، انتشارات اسلامی، بی تا.
- ◀ انصاری، مرتضی بن محمد امین، (۱۴۱۵ ق). *کتاب المکاسب (للشیخ الأنصاری، ط - الحدیثه)*، اول، قم: کنگره جهانی بزرگداشت شیخ اعظم انصاری.
- ◀ _____ (۱۴۱۵ ق). *کتاب النکاح*، اول، قم: موسسه باقری.
- ◀ بحرانی، یوسف بن احمد بن ابراهیم، (۱۴۰۵ ق). *الحدائق الناضرة فی احکام الطاهره*، اول، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- ◀ تستری، اسدالله، *مقاییس الأنوار و نفائس الأسرار*، اول، قم: موسسه آل البيت «علیهم السلام»، بی تا.
- ◀ توحیدی، محمدعلی، *مصباح الفقاهه (المکاسب)*، (تقریرات درس آیت الله خویی)، اول، نجف اشرف: انتشارات آداب، بی تا.
- ◀ جعفری لنگرودی، (۱۳۷۲). *محمد جعفر، ترمینولوژی حقوق*، ششم، تهران: کتابخانه گنج دانش.
- ◀ جوهری، اسماعیل بن حماد، (۱۴۱۰ ق). *الصحاح - تاج اللغة و صحاح العربیة*، اول، بیروت: دارالعلم للملایین.
- ◀ حائری، سید علی بن محمد، (۱۴۱۹ ق). *ریاض المسائل (ط - الحدیثه)*، اول، قم: موسسه النشر الإسلامی.
- ◀ حسینی شیرازی، محمد، (۱۴۰۷ ق). *الفقه موسوعه استدلالیه فی فقه الاسلامی*، بیروت: دارالعلوم.
- ◀ حر عاملی، محمد بن حسن، (۱۴۰۹ ق). *وسائل الشیعه*، قم: موسسه آل البيت «علیهم السلام».
- ◀ حلی، حسن بن یوسف، (۱۴۲۰ ق). *تحریر الأحکام الشرعیة علی مذهب الإمامیه*، اول، قم: موسسه امام صادق «علیه السلام».
- ◀ موسوی خمینی، سید روح الله، (۱۳۷۹ ق). *کتاب البیع*، اول، تهران: موسسه تنظیم نشر و آثار امام خمینی.
- ◀ _____ *تحریر الوسیله*، اول، قم: موسسه مطبوعات دار العلم، بی تا.
- ◀ خویی، سید ابوالقاسم، *موسوعه الإمام الخوئی*، (۱۴۱۸ ق). اول، قم: موسسه احیاء آثار الإمام خویی.

- ◀ راغب اصفهانی، حسین بن محمد، (۱۴۱۲ ق). *مفردات الفاظ القرآن*، اول، لبنان - سوریه: دارالعلم الدار الشامیه.
- ◀ رمضان‌ی فر، حدیثه و آدیش، محمدعلی، (۱۳۹۷). *مطالعه تجربه زیسته افراد در مورد ازدواج سفید در ایران*، مطالعات توسعه اجتماعی - فرهنگی، د ۷، ش ۱.
- ◀ شریفی، هادی، همباشی سیاه چگونه ازدواج سفید شد، بخش تعاملی جامعه خبری تحلیلی الف ۱۳۹۳/۶/۲۰.
- ◀ صادقی تهرانی، محمد، رساله توضیح المسائل نوین، قم: انتشارات فرهنگ اسلامی، بی تا.
- ◀ عاملی، محمد بن مکی (شهید اول)، *القواعد و الفوائد*، مصحح: سید عبدالهادی حکیم، اول، قم: کتابفروشی مفید، بی تا.
- ◀ عاملی، زین الدین بن علی (شهید ثانی)، (۱۴۱۳ ق). *مسالك الأفهام إلى تنقیح شرایع الاسلام*، اول، قم: موسسه المعارف الاسلامیه.
- ◀ _____ (۱۴۱۳ ق). *الروضه البهیة فی شرح اللمعه الدمشقیه*، اول، قم: کتابفروشی داوری.
- ◀ عظیم پورمقدم، عظیم و فاطمه پایی نژاد، (۱۳۹۸). «راهکارهای مقابله با ازدواج سفید از منظر قرآن و روایات»، *مطالعات راهبردی زنان*، د ۲۱، ش ۸۴.
- ◀ طوسی، محمد بن حسن، *المبسوط فی فقه الإمامیه*، (۱۳۸۷ ق). تهران: المکتبه المرتضویه.
- ◀ _____ (۱۳۶۵ ق). *تهذیب الاحکام*، چهارم، تهران: دارالکتب الإسلامیه.
- ◀ فاضل هندی، محمد بن حسن، (۱۴۱۶ ق). *كشف اللثام والإبهام عن قواعد الأحكام*، اول، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- ◀ فهیمی، اکبر، (۱۳۹۶). *بررسی حقوقی ازدواج سفید*، دومین همایش بین المللی و چهارمین همایش ملی پژوهش های مدیریت و علوم انسانی، تهران: دانشگاه تهران.
- ◀ فیومی، احمد بن محمد مقری، *الم صباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر للرافعی*، اول، قم: منشورات دارالرضی، بی تا.
- ◀ قنبریان، مهدی، (۱۳۹۶). *بررسی ازدواج سفید در نظام حقوقی ایران و غرب (مدرنیته)*، *مطالعات حقوق*، ش ۱۷.
- ◀ کاتوزیان، امیرناصر، (۱۳۸۸). *حقوق خانواده*، اول، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- ◀ کرکی، علی بن حسین (محقق ثانی)، (۱۴۱۴ ق)، *جامع المقاصد فی شرح القواعد*، دوم، قم: موسسه آل البيت «علیهم السلام».
- ◀ گروسی، سعیده، فاطمه یاری نسب، (۱۳۹۹). «تفاوت نسلی نگرش به ارزش های ازدواج و عوامل موثر در آن در زنان ساکن شهر یاسوج»، *مطالعات راهبردی زنان*، د ۲۲، ش ۸۷.
- ◀ محقق حلی، ابو جعفر نجم الدین جعفر بن الحسن، (۱۴۰۹ ق). *شرایع الاسلام فی مسائل الحلال والحرام*، دوم، قم: امیر قلم.

- ◀ محقق داماد، سید مصطفی، (۱۳۸۵). بررسی فقهی حقوق خانواده - نکاح و انحلال آن، سیزدهم، تهران: مرکز نشر علوم اسلامی.
- ◀ حسینی مراغی، میرعبدالفتاح بن علی، (۱۴۱۷ ق). میر عبد الفتاح، العناوین الفقیه، اول، قم: موسسه النشر الاسلامی.
- ◀ مصطفوی، حسن، (۱۴۰۲ ق). التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، اول، تهران: مرکز الکتاب للترجمه و النشر.
- ◀ مغنیه، محمدجواد، (۱۴۲۱ ق). فقه الإمام جعفر الصادق، دوم، قم: موسسه انصاریان.
- ◀ مکارم شیرازی، ناصر، (۱۴۲۵ ق). انوار الفقاهه (کتاب البیع)، اول، قم: انتشارات مدرسه امام علی ابن ابی طالب «علیه السلام».
- ◀ مقصودی، سوده، طاهره بازمانده و سید محمد موسوی نسب، (۱۳۹۹). «بررسی رابطه‌ی سبک‌های عشق‌ورزی با سازگاری زناشویی»، مطالعات راهبردی زنان، د ۲۲، ش ۹۰.
- ◀ نائینی، محمدحسین، (۱۳۷۳ ق). منی الطالب فی حاشیه المکاسب، اول، تهران: المکتبه المحمديه.
- ◀ نجفی، محمدحسن، (۱۴۰۴ ق). جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام، هفتم، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- ◀ نراقی، احمد، (۱۴۱۵ ق). مستند الشیعه فی احکام الشریعه، اول، قم: موسسه آل البيت «علیهم السلام».
- ◀ یزدی، سید محمدکاظم، (۱۴۲۱ ق). حاشیه المکاسب، دوم، قم: موسسه اسماعیلیان.
- ◀ «تبعات ازدواج سفید یا هم باشی»، کد مطلب: ۲۳۳۲۵۱، ۲۲، مهر ۱۳۹۵.

► <https://www.ghatreh.com>.